

وضعیت تنظیم خانواده و سیاستهای جمعیتی در چین

رافیک قلی‌پور^۱

مقدمه

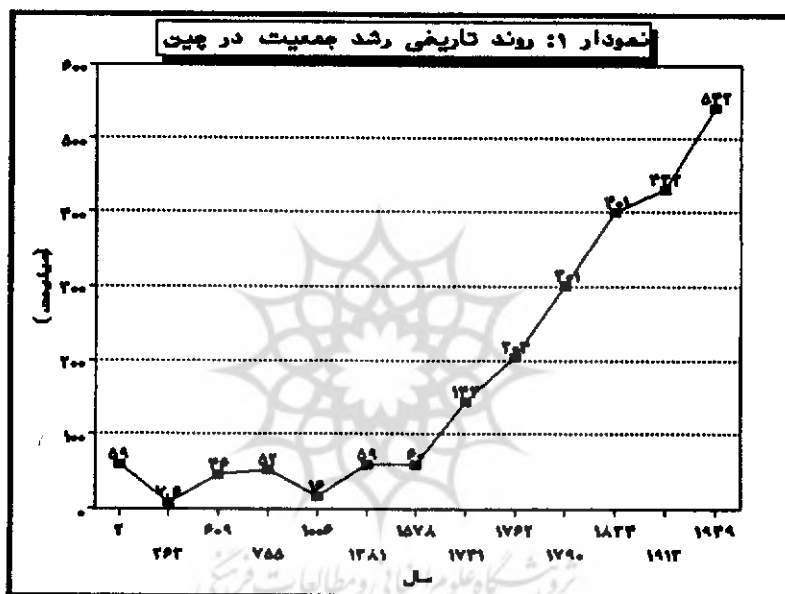
تا صحبت از یک کشور خاص به میان می‌آید، ناخودآگاه ویژگی خاصی از آن کشور در ذهن شنونده نقش می‌بندد که ناشی از علم اجمالی شنونده در ارتباط با آن کشور است. در این مورد به جرأت می‌توان گفت که اگر صحبت از جمهوری خلق چین باشد مهمترین و نخستین ویژگی که در ذهن نقش خواهد بست جمعیت انبوه این کشور و پرجمعیت‌ترین بودن آن خواهد بود.

با عنایت به این مسأله و با توجه به محدود بودن اطلاعات ما از چین، که بیش از هر چیز ناشی از کمبود مراودات ما و چینها در طی دهه‌های گذشته است، هر گونه مطالعه در مورد جمعیت چین می‌تواند جالب و مفید باشد. بویژه با توجه به اینکه جمهوری خلق چین در طی سالهای گذشته سیاستهای جمعیتی جالبی را به اجرا گذاشته و آشنایی با این سیاستها می‌تواند برای برنامه‌ریزان جمعیتی ما حاوی نکات مفید و ارزنده‌ای باشد.

هدف اصلی این گزارش که با استفاده از آخرین آمارهای جمعیتی ارائه شده توسط دولت چین تهیه شده، آشنا ساختن خوانندگان فارسی زبان با سیاستهای جمعیتی چین و وضعیت تنظیم خانواده در این کشور است. در راستای همین هدف، گزارش کلاً شامل سه قسمت است که در قسمت نخست تاریخچه‌ای از روند رشد جمعیت در کشور چین ارائه شده و سپس در بخش دوم سیاستهای کنترل جمعیت و برنامه تنظیم خانواده این کشور در طی سالهای گذشته بررسی گردیده و در پایان نیز در یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مطالب، نقاط قوت و ضعف این سیاستها مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۱. تاریخچه‌ای از روند رشد جمعیت در چین

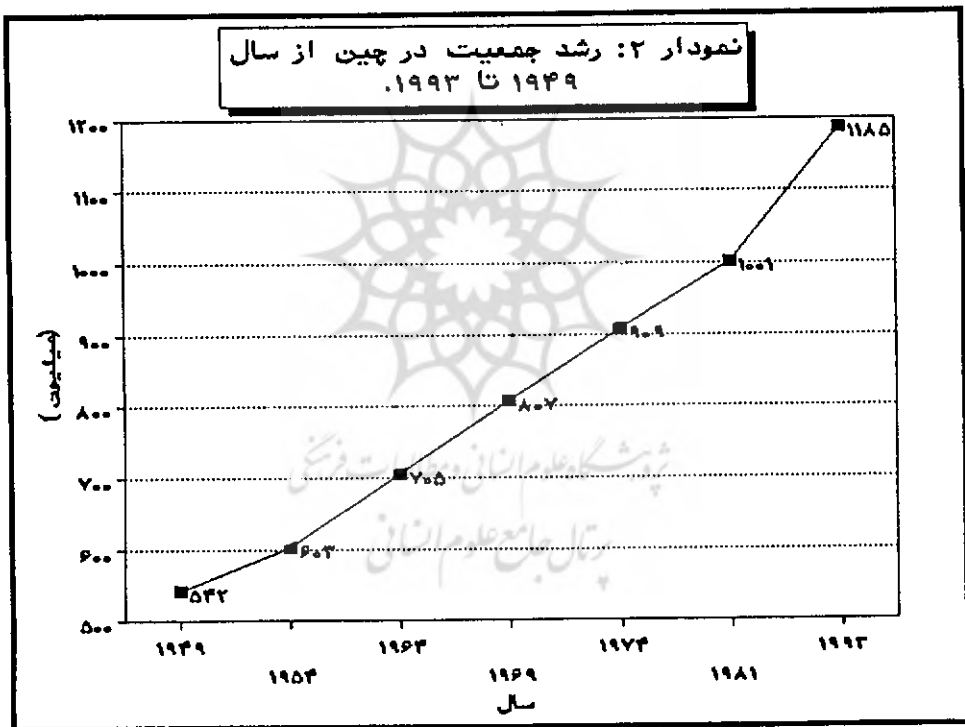
تاریخچه شمارش جمعیت در چین و تخمین جمعیت این کشور تقریباً به سالهای نخستین میلادی بازمی‌گردد. مدارک موجود نشان می‌دهند که جمعیت این کشور در هزاره اول میلادی همواره کمتر از ۶۰ میلیون نفر بوده است.



همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، جمعیت چین تا اواخر قرن شانزدهم تقریباً در همین حدود ثابت باقی مانده و رشد سریع جمعیت از قرن هفدهم به بعد آغاز شده و در سال ۱۷۴۱ به ۱۴۳ میلیون، در ۱۷۶۳ به ۲۰۴ میلیون و در ۱۷۹۰ به ۳۰۹ میلیون نفر رسیده است. اما برخلاف قرن هیجدهم که ما با یک چنین رشد سریعی در جمعیت چین مواجهیم، در قرن نوزدهم رکودی را در رشد جمعیت مشاهده می‌کنیم. به طوری که تا پایان این قرن و اوایل قرن بیستم و در طی ۱۳۰ سال تنها ۱۲۰ میلیون نفر به جمعیت این کشور افزوده شده و جمعیت چین در سال ۱۹۱۳ به حدود ۴۳۰ میلیون نفر می‌رسد و نهایتاً در سال ۱۹۴۹ که انقلاب کمونیستی چین به پیروزی می‌رسد جمعیت این کشور بالغ بر ۵۴۲ میلیون نفر بوده است. در طی این سالها، به عنوان مثال، در سال ۱۹۳۶، نرخ خام زاد و ولد ۳۸ در هزار و نرخ خام مرگ و میر ۲۸ در هزار و رشد طبیعی ۱۰ در هزار بوده است^(۱)

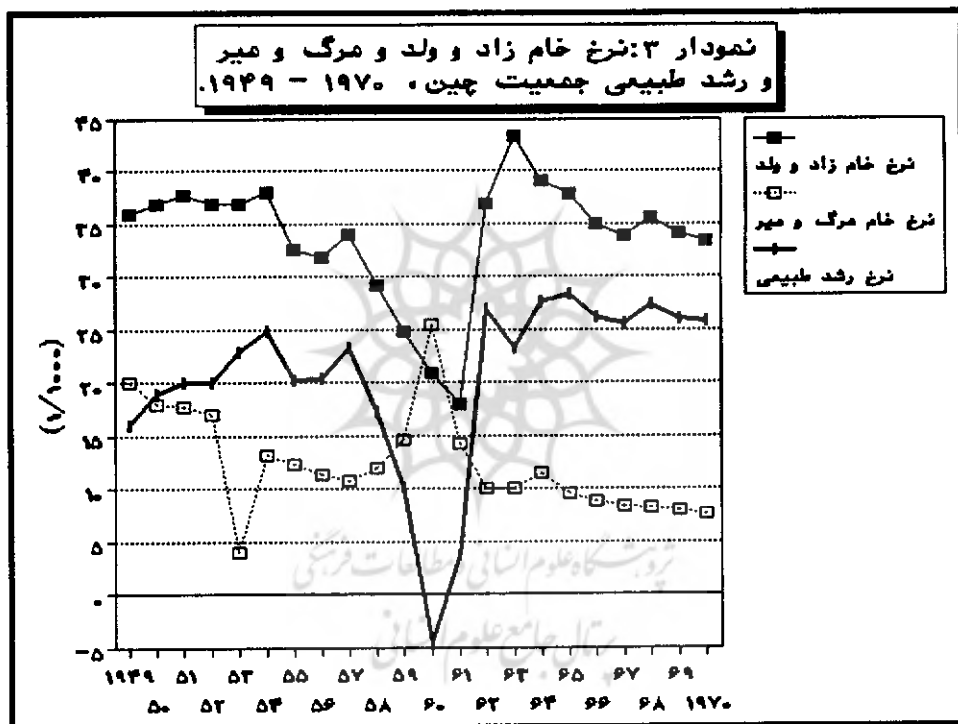
پس از پیروزی انقلاب چین و در اثر پایان یافتن جنگها و مشکلاتی که این کشور در نیمه اول قرن

بیستم با آن مواجه بود و بهبود وضعیت تغذیه و بهداشت در آن و همچنین فقدان سیاستهای کنترل جمعیت جدی و مؤثر، جمعیت چین در طی ۴۵ سال گذشته به بیش از دو برابر افزایش یافته است. همان‌گونه که در نمودار ۲ مشخص است، جمعیت این کشور در سال ۱۹۵۴ به ۶۰۲ میلیون نفر، در ۱۹۶۴ به ۷۰۴ میلیون نفر، در سال ۱۹۶۹ به ۸۰۶ میلیون نفر، در سال ۱۹۷۴ به ۹۰۸ میلیون نفر و در سال ۱۹۸۱ به بیش از یک میلیارد نفر می‌رسد و بنا بر آخرین اطلاعات موجود، جمعیت این کشور در سال ۱۹۹۳ حدود ۱ میلیارد و ۱۸۵ میلیون نفر بوده است (۲).



در نمودار ۲، مشخص است که با وجود کاهش نرخ خام مرگ و میر از حدود ۲۰ در هزار به کمتر از ۸ در هزار در طی سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰، نرخ خام زاد و ولد با وجود نوسانات شدید در حدود ۳۵ در هزار ثابت مانده و در نتیجه این عوامل، بالا رفتن نرخ طبیعی رشد جمعیت عامل اصلی افزایش قابل توجه جمعیت چین در طی این ۲۰ سال بوده است (۳). نوسانات شدیدی که در حدود سال ۱۹۶۰ مشاهده می‌شود، ناشی از قحطی بزرگی بوده که در اثر شکست برنامه‌های توسعه دولت چین در طی

سالهای پایانی دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ اتفاق افتاده و در اثر آن حدود ۲۰ میلیون نفر از جمعیت این کشور جان خود را از دست داده‌اند^(۴). در طی این سالها، زمامداران کمونیست چین با تکیه بر نظریه‌های مارکس، عامل اصلی فقر و مشکلات را تنها توزیع نابرابر ثروت دانسته و توجه چندانی به رشد جمعیت نداشتند.



و اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد، تغییرات عمده‌ای در روند رشد جمعیت چین پدید آمده که تا حد زیادی ناشی از اجرای سیاستهای جمعیتی جدید توسط دولت این کشور بوده است. فصل بعدی این گزارش به بررسی این سیاستها و نتایج حاصل از آن اختصاص یافته است.

۲. سیاست کنترل جمعیت و برنامه‌های تنظیم خانواده در چین

الف. تاریخچه:

بنابر آمارهای ارایه شده توسط دولت چین، در کنفرانس جهانی جمعیت و توسعه قاهره، در سال ۱۹۹۴،

جمعیت این کشور در سال ۱۹۹۲ حدود ۱ میلیارد و ۱۷۲ میلیون نفر بوده است^(۵). در همین سال طبق تخمینهای سازمان ملل متحد، جمعیت کل جهان حدود ۵ میلیارد و ۴۲۰ میلیون نفر بوده است که بدین ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که در سال ۱۹۹۲ نزدیک به ۲۲ درصد از جمعیت کل جهان در چین ساکن بوده‌اند^(۶).

این درحالیست که سرزمین چین تنها ۷ درصد از اراضی قابل کشت جهان را شامل می‌شود و میزان زمین قابل کشت برای هر فرد چینی حدود یک دهم میزان آن برای یک فرد آمریکایی و یک سوم تا یک چهارم میزان آن در کل جهان بوده و میزان دسترسی به آب آشامیدنی نیز حدود یک چهارم میزان آن در کل جهان است. علی‌رغم در پیش گرفتن سیاستهای کنترل جمعیت و افزایش قابل توجه تولید غلات در چین، میزان سرانه گندم برای هر نفر در طی سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰ از ۸۶۷ پاوند به ۷۹۶ پاوند کاهش یافته است. هر ساله، حدود ۲۰ میلیون جوان وارد بازار کار می‌شوند و تأمین اشتغال برای آنان در کنار تأمین خوراک و پوشاک و امکانات آموزشی، بهداشتی و رفاهی برای کل جمعیت کشور، جزو اساسی‌ترین مشکلات دولت چین است. در نقاط شهری، تراکم بیش از حد جمعیت، معضلی نگران‌کننده است. در همین سال، در نقاط شهری چین، هر فرد تنها ۷۲ فوت مربع فضای زندگی داشته و برای هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر، تنها ۵ اتوبوس، ۲۳ تخت بیمارستانی و ۱۵ دکتر وجود داشته است^(۷). در سال ۱۹۹۰، حدود ۹۴ درصد از جمعیت این کشور فقط در یک سوم شرق کشور و در نزدیکی سواحل اقیانوس ساکن بوده‌اند و تراکم جمعیت در مناطق ساحلی، ۶۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع و در شانگهای بالاتر از ۲،۰۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع بوده است^(۸).

مشخص است که با اینچنین داده‌هایی، در حالی‌که دولت چین برای تأمین حداقل غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت و سایر نیازهای اساسی این جمعیت انبوه با مشکلات عظیمی دست به گریبان است، در پیش گرفتن هر گونه برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی، بدون اقدام جدی برای کنترل جمعیت اگر نگوئیم امکان‌ناپذیر، حداقل بیش از حد مشکل خواهد بود. بنابراین، دولت چین نیز، پس از مرگ مائو و گذراندن بحران جانشینی او و به قدرت رسیدن دنگ‌شیائوپینگ در سال ۱۹۷۹، اقدام به درپیش گرفتن برنامه‌های توسعه اقتصادی کرد، توجه خاصی به مسأله کنترل جمعیت نمود.

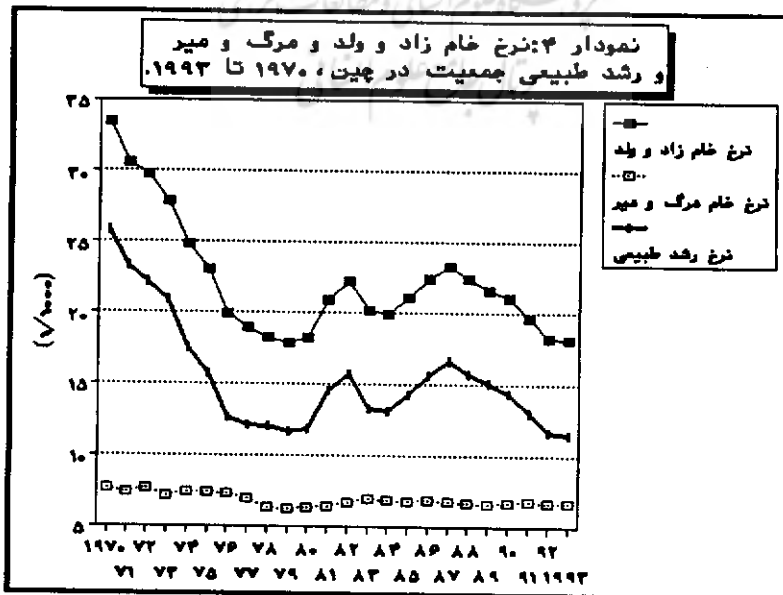
در سال ۱۹۷۹، در سومین جلسه از یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین، تصمیم گرفته شد که توسعه اقتصادی و اجتماعی، اولین اولویت دولت چین باشد و در راستای این توسعه و در جهت ارتقای سطح استاندارد زندگی در چین، برنامه تنظیم خانواده به‌عنوان یک سیاست ملی اعلام گردید. در قانون

اساسی این کشور نیز به مسأله تنظیم خانواده توجه خاصی شد و بر پایه ماده ۲۵ آن دولت موظف گردید تا با اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده، میزان رشد جمعیت را متناسب با طرح‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور تنظیم نماید و در ماده ۴۹ این قانون، زن و شوهرها موظف گردیدند تا برنامه‌های تنظیم خانواده را رعایت کنند. این تعهد در قانون ازدواج جمهوری خلق چین نیز مورد تأکید قرار گرفته است^(۹).

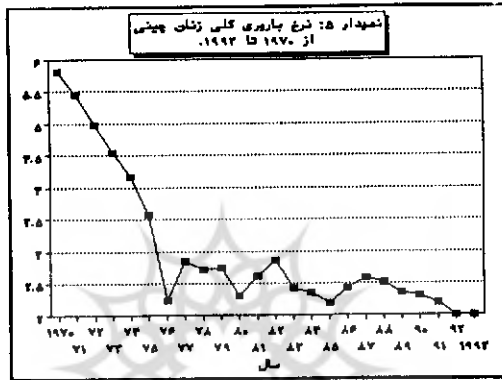
و اما، در واقع، سیاست‌های اصلی کنترل جمعیت در چین از سال ۱۹۷۱ آغاز گردیده بود. در این سال جوئن لای برنامه اساسی و گسترده‌ای برای کنترل جمعیت تدوین کرد که ازدواج دیرتر و خانواده کوچکتر را تشویق می‌کرد^(۱۰).

ب. دستاوردها:

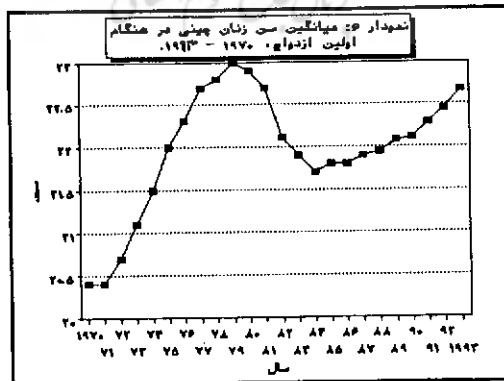
با اجرای این برنامه و سپس تشدید آن پس از سال ۱۹۷۹، دولت چین توانست تا حد قابل توجهی از رشد بی‌رویه جمعیت در این کشور جلوگیری نماید. نمودار ۴ نرخ خام زاد و ولد، نرخ خام مرگ و میر و میزان رشد طبیعی جمعیت چین را در طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۳ نشان می‌دهد. همان‌گونه که در نمودار مشخص است، نرخ خام زاد و ولد در طی این دوران، از حدود ۳۴ در هزار به حدود ۱۸ در هزار کاهش یافته و در نتیجه میزان رشد طبیعی جمعیت نیز از حدود ۲۶ در هزار به ۱۱/۵ در هزار تقلیل یافته است.



در طی همین دوران (۹۳-۱۹۷۰)، نرخ کلی باروری نیز از حدود ۵/۸ فرزند به ۲ فرزند کاهش یافته است. نمودار ۵ نشان‌دهنده روند کاهش باروری در میان زنان چین است^(۱۱). برطبق آمارهای ارایه شده توسط دولت چین، نرخ شیوع روشهای پیشگیری در این کشور حدود ۸۳/۴ درصد می‌باشد که یکی از بالاترین نرخها در کل جهان است^(۱۲).

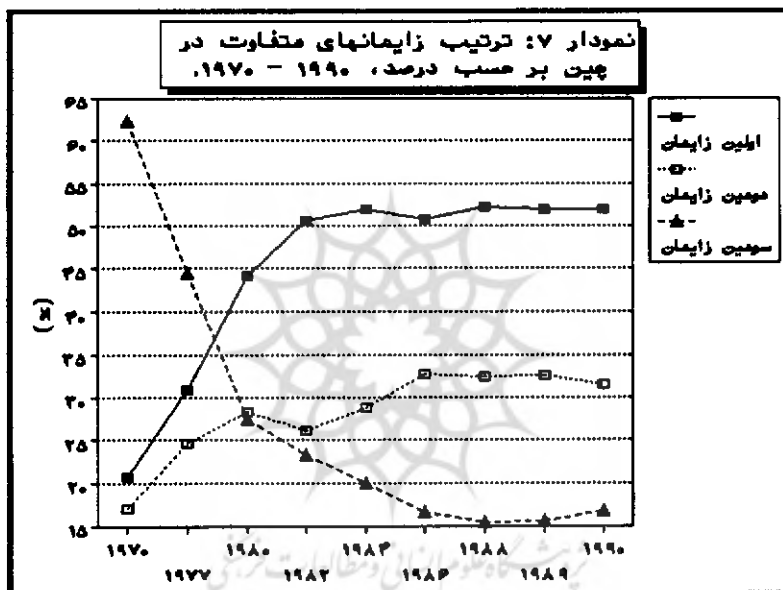


با توجه به تبلیغات انجام شده در جهت بالا بردن سن ازدواج و قوانین به تصویب رسیده در این راستا، سن ازدواج در میان زنان و مردان چینی، در طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۳ حدود ۲ سال افزایش یافته است. همان‌طور که در نمودار ۶ نشان داده شده، میانگین سن قانونی ازدواج زنان چینی حدود ۲۲/۵ سال است، ولی برطبق بررسیهای به‌عمل آمده مشخص شده که حداقل ۲۰ درصد ازدواجها قبل از رسیدن به سن قانونی انجام می‌گیرد^(۱۳).



در دوران یاد شده و در نتیجه اجرای سیاستهایی همچون یک زوج، یک فرزند، همان‌گونه که در نمودار ۷ می‌توان مشاهده کرد، تقاضا برای بچه سوم شدیداً کاهش یافته و اکثر موالید، بچه اول بوده‌اند^(۱۴).

نکته مهمی که باید بدان اشاره شود این است که تبلیغ یک زوج، یک فرزند به این معنا نیست که همه زوجها تحت هر شرایطی باید فقط یک فرزند داشته باشند. اجرای این سیاست در مناطق و استانهای مختلف چین قوانین خاص خود را دارد که براساس شرایط آن منطقه تدوین شده است.



به عنوان مثال، در شانگهای بعضی از زوجها یا افراد تحت شرایطی می‌توانند پس از گذشت ۴ سال از تولد بچه اول، بچه دومی داشته باشند. به عنوان مثال، ماهیگیران، چوپانان، دام‌داهایی که با تنها دختر خانواده‌ای ازدواج کرده و تکفل پدر و مادر دختر را بپذیرند، همچنین خانواده‌هایی که فرزند اول آنان بیماری غیرارثی داشته باشد و افرادی که ازدواج دوم کرده و بچه حاصل از ازدواج اول به زوج دیگر رسیده باشد، می‌توانند بچه دوم داشته باشند. همچنین اگر تنها پسر خانواده‌ای با تنها دختر خانواده‌ای ازدواج کند، این زوج می‌توانند دو فرزند داشته باشند^(۱۵). و اما در مناطق کمتر توسعه یافته غرب چین و همچنین در اکثر مناطق روستایی این کشور اگر فرزند اول دختر باشد، خانواده‌ها می‌توانند فرزند دومی

داشته باشند. این قانون بویژه برای اقلیتهای قومی که غیر از نژاد Han هستند انعطاف پذیرتر است و اقوام مسلمان ساکن در سین‌کیانگ و مردم تبت می‌توانند حتی تا بیشتر از ۳ بچه داشته باشند^(۱۶)

ج. ابزارها و اقدامات

همان‌گونه که قبلاً نیز ذکر شد، دولت چین پس از سال ۱۹۷۹ و در راستای برنامه‌های توسعه خود توجه خاصی به مسأله کنترل جمعیت نمود و در سال ۱۹۸۱ کمیسیون دولتی تنظیم خانواده، که خود سازمانی جداگانه و موازی با سایر وزارتخانه‌ها است و رییس آن عضو هیأت دولت می‌باشد، تشکیل و آغاز به کار نمود.

نکته جالب توجه در ساختار کمیسیونهای تنظیم خانواده در چین، سیاست عدم تمرکز است. بجز ۳ شهر پکن، شانگهای و تیان چین، بقیه مناطق که شامل ۲۴ استان و ۶ ناحیه خودمختار می‌باشند، در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده تا حدی مختارند. از نظر ساختاری، نقاط اشتراک این سیستم غیرمتمرکز را می‌توان در نقش حزب کمونیست دید که هر ساله کمیته مرکزی آن یک کنفرانس ملی تنظیم خانواده تشکیل می‌دهد که تمامی رهبران حزبی در مناطق مختلف موظفند در آن شرکت کنند و بدین ترتیب هماهنگی لازم ایجاد می‌شود.

موازی با این ساختارهای دولتی، تشکیلات غیردولتی متعددی نیز تأسیس شدند تا دولت‌را در اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده یاری دهند، که یکی از مهمترین آنها "انجمن تنظیم خانواده چین" است که حدود ۴۰ میلیون عضو دارد و در کلیه شهرها و ۷۵ درصد از روستاهای چین شعبه داشته و نقش قابل توجهی در اجرای برنامه‌های کنترل جمعیت ایفا می‌کند^(۱۷). در طی سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۲ هزینه‌ای که دولت و نهادهای غیردولتی چین برای برنامه‌های تنظیم خانواده متحمل شده‌اند در حدود ۱۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. این در حالی است که برطبق نظریات کارشناسان چینی در طی همین دوران در نتیجه کاهش هزینه‌های متعددی که از طریق کنترل مولید صورت گرفته، حدود ۱۰ درصد از کل درآمد ملی پس‌انداز شده است. این کارشناسان معتقدند که در طی این دوران حدود ۲۵۰۰ میلیارد یوان (۳۰۱ میلیارد دلار به نرخ سال ۱۹۹۵)، صرف نگهداری از بچه‌ها شده است، درحالی‌که این هزینه، طی سالهای ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ به ۱۸۲۸ میلیارد یوان (۲۲۲ میلیارد دلار) کاهش خواهد یافت و بنابر این، می‌توان این مقدار هزینه ذخیره شده را در توسعه اقتصادی سرمایه‌گذاری کرد^(۱۸).

و اما، مجموعه اقدامات دولت چین در جهت اجرای برنامه تنظیم خانواده بر سه محور تبلیغات و آموزش، توزیع رایگان وسایل پیشگیری و ادغام برنامه تنظیم خانواده، با خدماتی که ایجاد انگیزه می‌کنند،

قرار دارد. این خدمات در مناطق شهری عبارتند از: دادن پاداش ماهانه به خانواده‌های دارای یک فرزند، ایجاد انواع تسهیلات آموزشی، بهداشتی، سکونت و شغلی و همچنین دادن مرخصی به مادران با پرداخت حقوق کامل، و در مناطق روستایی: اعطای وام و تسهیلات کشاورزی و مسکن، از جمله این خدمات هستند. که در مقابل اخذ مالیات و ایجاد هزینه برای خانواده‌های دارای فرزندان بیشتر ارایه می‌گردند.

لازم به ذکر است که تا سال ۱۹۷۹، نکات اصلی سیاست تنظیم خانواده چین، به تبلیغ برای کاهش موالید درحد دو بچه، فاصله انداختن بین موالید و ازدواج دیرتر محدود می‌شد، ولی هم‌اکنون، تشویق برای ازدواج دیر و دیرتر، زایمان کمتر، پیشگیری از نقایص وراثتی و تبلیغ برای "یک زوج، یک فرزند" ازجمله اقدامات رایج است.

در یک جمع‌بندی می‌توان اقدامات اساسی دولت چین برای کنترل رشد جمعیت را موارد زیر معرفی کرد:

نخست، همان تشکیل کنفرانس سالانه تنظیم خانواده، توسط کمیته مرکزی حزب کمونیست و ایجاد هماهنگی بین طرح‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، با برنامه‌های تنظیم خانواده در تمامی سطوح دولتی.

دوم، اولویت دادن به آموزش همگانی و وسیع، که شامل تشریح وضعیت جدی کشور، در رابطه با عدم هماهنگی جمعیت کشور با منابع و امکانات، و تأکید بر اینکه مسأله کنترل جمعیت، هم منافع ملی و هم منافع شخصی افراد جامعه را تأمین می‌کند؛ و این نکته با توجه به ناسیونالیسم شدید چینیها و تفکر اجتماعی حاکم بر آنها تأثیر خیلی زیادی دارد. از دیگر نکاتی که با توجه به تمایل اکثریت مردم چین به داشتن بچه پسر، در آموزش همگانی به آن توجه خاصی شده، ترویج این تفکر است که هیچ تفاوتی بین فرزند پسر و دختر وجود ندارد. آموزش عمومی همچنین شامل آموزش جمعیت و تنظیم خانواده به کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان و دانشجویان و افراد تازه ازدواج کرده، می‌شود که در آن، مسایل مرتبط با ازدواج، بچه‌دار شدن و استفاده از روش‌های پیشگیری آموزش داده می‌شود.

سومین اقدام اساسی دولت چین، اختصاص منابع زیاد، جهت تولید و توزیع رایگان وسایل پیشگیری، بالا بردن مراقبت‌های پزشکی در قبل و بعد از زایمان، آزمایش‌های قبل از ازدواج و مشاوره در امور وراثتی و تشویق به اجرای برنامه‌های تحقیقاتی مرتبط با کنترل جمعیت است.

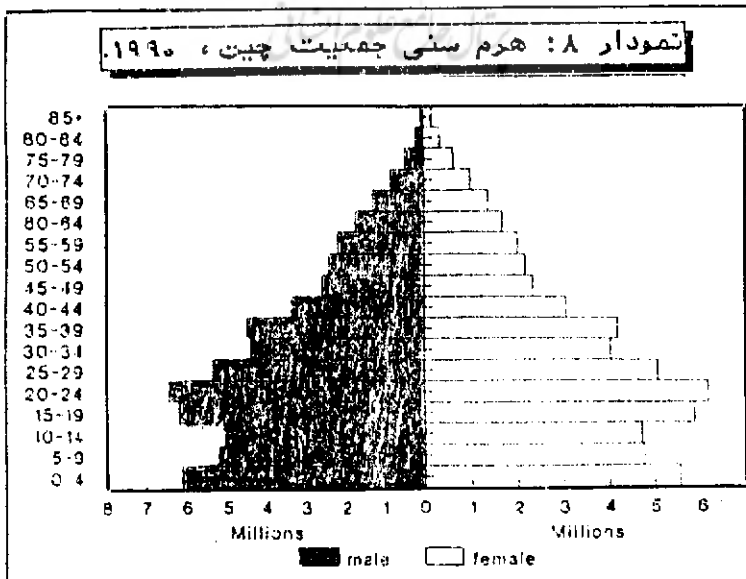
چهارمین اقدام اساسی این دولت، تأکید بر بالا بردن استاندارد زندگی و بویژه تأمین اجتماعی در

سنین سالخوردگی است که خود عاملی در جهت کنترل موالید است. پنجمین اقدام، همان‌گونه که قبلاً نیز از آن ذکر می‌شود، تأسیس کمیسیونهای دولتی و غیردولتی تنظیم خانواده و گسترش دادن این برنامه در کارخانجات، کشتزارها، ادارات، روستاها و به کلامی خلاصه، در کل کشور است. آخرین و مهمترین اقدام دولت چین در این راستا، اختصاص بودجه قابل توجه به این برنامه و همکاری گسترده با سازمانهای بین‌المللی همچون UNFPA است. تقریباً اکثر قریب به اتفاق خدمات برنامه تنظیم خانواده به رایگان در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد.

۳. نتیجه‌گیری

در پایان و در یک نتیجه‌گیری کلی از بحثهای ارائه شده، باید گفت که طبق آمارهای ارائه شده توسط دولت چین، برنامه تنظیم خانواده در این کشور موفقیت‌های چشمگیری را به دست آورده است، اما اجرای این برنامه‌ها، خود پیامدهای متعددی را به بار آورده که ادامه آنها را تا حدی به زیر سؤال می‌برد. با توجه به این پیامدها و با نگرشی بر وضعیت کلی این کشور، مهمترین مشکلاتی را که سیاست تنظیم خانواده چین با آنها روبرو است می‌توان موارد زیر دانست:

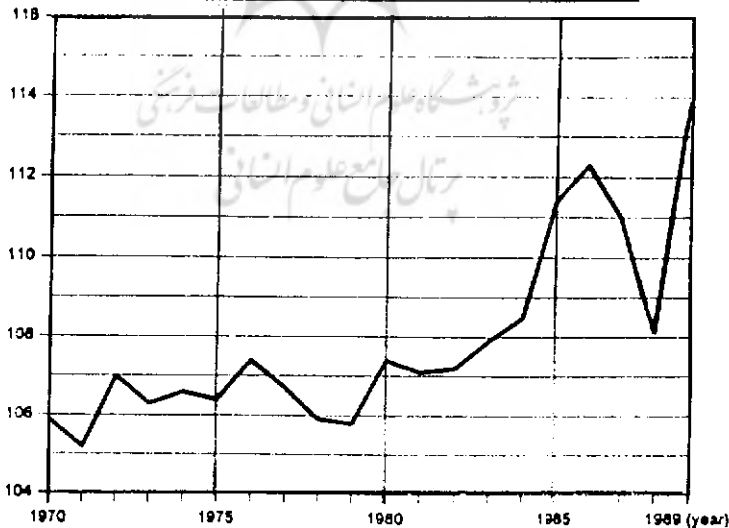
۱. قبل از هر چیز و همان‌گونه که در نمودار ۸ که مربوط به هرم سنی جمعیت چین است مشاهده می‌کنیم، حدود ۶۰۰ میلیون نفر از مردم این کشور در سنین باروری قرار دارند (۱۹).



۲. دومین مشکل اساسی این برنامه، شکاف عمیق میان تمایلات توده مردم و سیاست "یک زوج، یک فرزند" است که بویژه در مناطق روستایی که هنوز از یک‌سو عقاید سنتی، در مورد داشتن بچه زیاد، همچنان حاکم بوده و از سوی دیگر نیاز به حمایت در دوران سالخوردگی، مرگ و میر نسبتاً بالای خردسالان و سودمند بودن نیروی کار بچه‌ها در کشاورزی، از انگیزه‌های قوی داشتن بچه زیاد هستند، به چشم می‌خورد. در سال ۱۹۹۲، ۷۲ درصد از مردم چین، ساکن روستاها بوده و تقریباً ۷۴ درصد از نیروی کار این کشور در بخش کشاورزی فعال بوده‌اند^(۲۰).

۳. سومین مشکل عمده، بالا رفتن نسبت جنسی در این کشور است که به ادعای چینها، عمدتاً به دلیل اجازه دادن به خانواده‌های روستایی، به داشتن بچه دوم، (در صورتی که اولی دختر باشد) می‌باشد؛ در صورتی که به ادعای محافل غرب، این مسأله ناشی از پدیده دخترکشی و سقط جنین نوزادان دختر است. در هر حال، نمودار ۹ بالا رفتن نسبت جنسی را در چین در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ نشان می‌دهد^(۲۱).

نمودار ۹: نسبت جنسی در هنگام تولد
در چین از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹



از دیگر مشکلات عمده‌ای که در مسیر اجرای برنامه تنظیم خانواده چین قرار دارد، می‌توان به رشد پدیده طلاق (با توجه به اجازه داشتن بچه دوم)، مخالفت افراد جدیداً ثروتمند شده در مناطق توسعه

یافته با این سیاستها و به عدم هماهنگی بین توسعه اقتصادی مناطق مختلف و وجود جمعیت شناور و غیرقابل کنترل در شهرهای بزرگ اشاره کرد. این جمعیت شناور که اکثراً مهاجرینی هستند که از مناطق کمتر توسعه یافته غرب کشور، به مناطق جدیداً توسعه یافته در شرق مهاجرت کرده‌اند، علی‌رغم سکونت در مناطق توسعه یافته، همچنان تفکر سنتی خود را حفظ کرده و در کنار تمایل به داشتن بچه زیاد، به جنسیت بچه و پسر بودن او نیز اهمیت زیادی می‌دهند.

در کل، کارشناسان مسایل جمعیتی در چین، امیدوارند که با بالا رفتن سطوح توسعه اقتصادی و اجتماعی در این کشور، بهبود وضعیت زندگی مردم و توسعه انسانی بیشتر، این مشکلات به‌طور خودکار حل شوند، ولی اینکه آیا خود این توسعه اقتصادی ناهمگون و در کنار آن توسعه سیاسی، که نیاز به اعطای آزادیهای سیاسی و اجتماعی بیشتر و کاهش کنترل‌های دولتی دارد، خود عاملی در مقابل این سیاستها نخواهد بود، سؤالی است که جای بحث دارد.

پانویس:

1. Xiao Z. *Population Situation and Family Planning Program in China*. China Population Information and Research Center (CPIRC), 1995, P 2.
2. China Population Information and Research Center (CPIRC). *China Population Today*. 1995 Feb; 12(1), P 24.
3. *Ibid*, P 25.
۴. یان داری شر، تحولات سیاسی در جمهور خلق چین، ترجمه عباس هدایت وزیری، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۳۶.
5. China State Family Planning Commission, *National Report of the People's Republic of China on Population and Development for the International Conference on Population and Development, Cairo, 5-13 September 1994*, P 5.
6. UNDP, *Human Development Report, 1995*, New York, Oxford University Press, 1995, P 187.
7. Peng P. *The Population of China, Problems and Strategy*, China Population Information and Research Center (CPIRC), 1995. P 3.
8. Hinrichsen D. "Coasts Under Pressure", *People and the Planet*, 1994, 3(1), P 7.
9. Peng P. *Ibid*, P 9.
۱۰. یان داری شر، همان منبع، ص ۱۲۸.
11. CPIRC, *China Population Today*, 1995 Feb; 12(1), P 25.
12. China State Family Planning Commission, *Ibid*, P 8.
13. Gu B., Liu P. "A Review of Study of Chinese Women". *China Population Today*, 1993 Jun; 10(3), P 7.
14. Peng P. *Ibid*, P 9.